

شعر زمان ما

۱۵

شمس لنگرودی

شعر شمس لنگرودی از آغاز تا امروز

شعرهای برگزیده

تفسیر و تحلیل موفق ترین شعرها

از

فیض شریفی



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۹۲

شعر و ادبیات (۱۹۷۰-۱۹۷۱)، (سپهر از آزادی، سازمان انتشارات و نشر، تهران، ۱۳۵۰)، (سپهر از آزادی، سازمان انتشارات و نشر، تهران، ۱۳۵۰)، (سپهر از آزادی، سازمان انتشارات و نشر، تهران، ۱۳۵۰)، (سپهر از آزادی، سازمان انتشارات و نشر، تهران، ۱۳۵۰)

فهرست

- ۱۱ سخن نثر
- ۱۳ شعر گفتار
- ۱۵ سلاشگر شمس لنگرودی
- ۲۱ - وزن و موسیقی در شعرهای شمس لنگرودی
- ۲۳ - اوزان عروضی سنتی
- ۲۴ - نیمایی
- ۲۴ - سپید
- ۲۵ - راه میانبر میان وزن عروضی شعرهای فروغ و شاملو
- ۲۷ - هجرت شکنی های معنایی ایماژ و آرایه های ادبی در اشعار شمس لنگرودی
- ۳۰ -
- ۳۸ - طنز
- ۴۳ - بافت و ساخت و شکل
- ۴۷ - نمایه ی بیرونی
- ۵۰ -
- ۵۰ - تحلیل ساختاری شعر خاکستر و بانو
- ۵۱ - تحلیل ساختاری شعر قصیده ی لبخند چاک چاک
- ۵۲ - اشعار کلاسیک و نیمایی شاعر
- ۵۴ - شعر «قصیده ی صبح»
- ۵۷ - شعر «نامه»
- ۶۲ -
- ۶۵ هفت و نگاه به هشت کتاب شمس لنگرودی به سمت آرامش جاوید
- ۶۵ - در مهتابی دنیا
- ۶۷ - خاکستر و بانو
- ۶۹ - قصیده ی لبخند چاک چاک
- چتر سوراخ، اشعاری برای تو که هرگز نخواهی شنید
- ۷۴ - نت هایی برای طبل چوبی
- ۷۵ - پنجاه و سه ترانه عاشقانه
- ۷۷ - باغبان جهنم
- ۷۹ -
- ۸۳ رفتار تشکی
- ۸۵ - طنز و دروغ
- ۸۸ - شام
- ۸۹ - کلامی نه
- ۹۰ -

- در مهتابی دنیا..... ۹۱
- اشاره ۹۳- بیداری ۹۴- پیدا ۹۶- میدان یادبود ۹۷- اشعار تاریکی و برف (۸) ۹۸- چشم انداز ۹۹- در مهتابی دنیا ۱۰۰- حدیث جنگ و وطن (۴) ۱۰۲
- خاکستر و بانو..... ۱۰۳
- خاکستر و بانو ۱۰۵- خورشید ۱۲۸- جادو ۱۲۹
- جشن ناپیدا..... ۱۳۱
۱. (جریان سنگ بلور خون است شعر) ۱۳۳- ۲. (شعر ناگهان به سراغ آدمی می آید) ۱۳۵- ۵. (پسرم، ببین چه کسی به در می کوبد) ۱۳۶- ۸. (می بینم دریا کوچک می شود) ۱۳۸- ۱۶. (آه برکشیده بودم که برگک های تو را برگشایم) ۱۴۰- ۳۶. (من این راه دراز را آمدم که ترا ببینم) ۱۴۱- ۴۳. (در سایه ی چاقو) ۱۴۲- ۵۳. (از سوراخ کلید) ۱۴۳
- قصیده ی لبخند چاک چاک..... ۱۴۵
- قصیده ی لبخند چاک چاک ۱۴۷
- چتر سوراخ..... ۱۷۷
۶. (فریاد را شنیدیم) ۱۷۹- ۱۱. (نمی خواستم که پرچم کو چکی در میدانی بوده باشم) ۱۸۰- ۲۲. (شوریده در هوای تیره و سرما و باد به کجایم روی) ۱۸۱
- اشعاری برای تو که هرگز نخواهی شنید..... ۱۸۳
۱. (مچاله در انبوه خارها مانده ام) ۱۸۵- ۴. (تو دیگر نیستی) ۱۸۷- ۷. (صدایت کردم) ۱۸۸- ۸. (اندوهبار) ۱۹۰
- نت هایی برای بلبل چوبی..... ۱۹۱
۱. (دلم به بوی تو آغشته است) ۱۹۳- ۷. (تو نیستی که ببینی) ۱۹۵- ۱۲. (خورشید

- شامگاه خزانسی زیبا نیست) ۱۹۷- ۲۵. (سخن از آزادی ناتمام است) ۱۹۸- ۳۵. (مارمولک ترسان) ۱۹۹- ۴۴. (مگو که فاصله ها بس غریب است دخترم) ۲۰۱- ۶۳. (باد) ۲۰۲
- بجاده و سه ترانه ی عاشقانه..... ۲۰۳
۱. (بی تابانه در انتظار توام) ۲۰۵- ۶. (می آیی و چون چاقویی روزم را) ۲۰۶- ۱۱. (سیاسگزارم درخت گلایی) ۲۰۸- ۱۲. (از من می پرس چرا دوست دارم) ۲۰۹- ۲۰. (برای ستایش تو) ۲۱۰- ۲۸. (انگشت های تو) ۲۱۱- ۳۵. (بر دکه ی روزنامه فروشی) ۲۱۲- ۴۸. (شیشه یی بدلی بودم) ۲۱۴
- بغیان جهنم..... ۲۱۵
۱. (ملاحظم) ۲۱۷- ۱۱. (نمی داند به قربانگاه می رود) ۲۱۸- ۱۶. (بازگشته ام از سفر) ۲۱۹- ۳۶. (دیر آمدی موسا!) ۲۲۰- ۴۸. (راهی نمانده است) ۲۲۱- ۵۴. (به این همه پنجه نیازی نبود) ۲۲۲- ۲۱۰- ۲۰۶. (تسلی نهایی) ۲۲۰- ۱۰۶. (بازخود) ۱۱
- تعالی از بن مایه های عاشقانه ی آثار شمس لنگرودی..... ۲۲۳
- ملاح خیابان ها..... ۲۳۱
۵. (باقی مانده ی عمر را) ۲۳۹- ۷. (شعر چیست) ۲۴۰- ۸. (دوستت دارم) ۲۴۲- ۲۵. (جمدانت را می بستی) ۲۴۳- ۲۶. (روز) ۲۴۴- ۲۸. (بازی تمام شد) ۲۴۵- ۳۹. (آمده ام!) ۲۴۶- ۴۲. (خوب، حساب و کتاب ها دیگر روشن است) ۲۴۷- ۴۶. (تابینای توام) ۲۴۸- ۴۷. (می خواستم جهان را به قواره ی رؤیاهایم درآورم) ۲۴۹- ۵۰. (چه قدر بی تو به سر بردن دشوار است) ۲۵۰- ۵۴. (دریا) ۲۵۱
- نقد و نظر بر لب خوانی های قزل آلا ی من و رسم کردن دست های تو..... ۲۵۹
- دقترهای شعری «لب خوانی های قزل آلا ی من» و «رسم کردن دست های تو».... ۲۶۷

- لبخوانی های قزل آلائی من ۲۷۱
۱. (تمامی روزها یک روزند) ۲۷۳-۷. (جز در لاکم) ۲۷۴-۸. (حالا که پلنگ برفی) ۲۷۵-۲۱. (گوزن جوان) ۲۷۶-۳۶. (می دانم می باری که دیوانه ترم کنی برف) ۲۷۷-۴۲. (این رود) ۲۷۸-۵۳. (روزی از مرگ سخن می گفتم) ۲۷۹-۵۹. (بعضی چیزهاست) ۲۸۰-۶۶. (صبر پیشه کن عزیز دلم) ۲۸۱-۶۷. (بلیت خریدم) ۲۸۲-۶۹. (چند چوب خشک) ۲۸۳-۷۴. (چه هلهله بی!) ۲۸۴-۸۰. (شکوفه های انار را ببین) ۲۸۵-۸۸. (در هر ایستگاهی که پیاده شوی) ۲۸۶-۸۹. (من یک جاده ام) ۲۸۷-۹۱. (چیز بدی نیست جنگ) ۲۸۸-۹۲. (سنگی بگذار) ۲۸۹-۹۴. (از تو جدا شدم) ۲۹۰-۹۶. (امروز) ۲۹۱-۱۰۵. (دوریت) ۲۹۲-۱۱۰. (گنجشکان لاف می زنند:) ۲۹۳-۱۱۱. (چه شغل عجیبی!) ۲۹۴-۱۱۲.
- رسم کردن دست های تو ۲۹۵
۱. (به حرف تو رسیدم) ۲۹۷-۳. (باد) ۲۹۸-۱۰. (از این همه ماه) ۲۹۹-۱۱. (بوی تو) ۳۰۱-۲۳. (بیهوده نیست) ۳۰۴-۲۴. (همه از تو حرف می زنند) ۳۰۶-۲۵. (مسلماً قطار شما حدود ساعت هفت می رسد) ۳۰۸-۳۸. (حیف نیست) ۳۰۹-۴۱. (می توانم) ۳۱۱-۴۴. (و تو هم روزی پیر می شوی) ۳۱۳-۵۳. (عزیز من) ۳۱۴-۱۱۷.
- شب نقاب عمومی است ۳۱۷
۴. (در است) ۳۲۵-۱۴. (در آتش من می چرخد) ۳۲۶-۱۵. (شب) ۳۲۷-۱۸. (کاش) ۳۲۸-۱۹. (من خواب ستاره بی رامی بینم) ۳۲۹-۲۱. (درختی پر میوه شدم) ۳۳۱-۴۰. (امروز) ۳۳۲-۴۷. (زخمی کوچکم) ۳۳۳-۵۴. (رودخانه ام می گوید برگردیم) ۳۳۴-۵۵. (تندباد) ۳۳۵-۵۸. (جز روزگار من) ۳۳۶-۵۹. (سراسر شب) ۳۳۷-۶۴. (می شنیدم اگر) ۳۳۸-۶۶. (چرا آنان) ۳۳۹-۶۷. (پیش تر از این ها نیز اینان را دیده ام) ۳۴۰-۷۴. (آیا ستاره ها) ۳۴۱-۸۸. (آن قدر به تو نزدیک بودم) ۳۴۲-۹۰. (دور از تو) ۳۴۳-۹۴. (لب های مان، دو بال کبوتر) ۳۴۴-۹۵. (این موسیقی) ۳۴۵-۹۶. (کنار تو) ۳۴۶-۱۰۴. (شب همین قارچ هاست) ۳۴۷-۱۱۷.

۱۰۷. (آرام باش پرومته!) ۳۴۸-۱۱۰. (این همه از تاریکی بد نگویند) ۳۴۹-۱۱۳. (باتن گردی از مخمل فیروزه بی) ۳۵۰-۱۱۶. (میوه ی بی ماندت) ۳۵۱-۱۱۹. (این نور برگردد) ۳۵۲-۱۲۳. (آیا اتفاقی است) ۳۵۳-۱۲۴.

سخن ناشر

- می خرم به جرم آن که هنوز زنده بودم ۳۵۵
۱. (گماهی) ۳۵۹-۹. (ژرفا ژرف و سرد است) ۳۶۰-۱۲. (از کجا آمده بود) ۳۶۱-۱۳. (معصومانه ترین سرکشی بود) ۳۶۲-۱۸. (کوب کوب، کوب کوب...) ۳۶۳-۱۳۳. (گپ و گفت آرام) ۳۶۴-۳۸. (اشاره اش اکنون به چیست) ۳۶۵-۴۰. (ابر) ۳۶۶-۴۱. (انبوه انبوه تاریکی) ۳۶۷-۴۳. (موربانه ای که به خوردن خانه اش مشغول است) ۳۶۸-۴۶. (بین من و تو) ۳۶۹-۴۷. (از گلی که نچیده ام) ۳۷۰-۴۸. (گنجشک شادمانه!) ۳۷۱-۵۰. (از پیشت که برمی گردم) ۳۷۲-۵۳. (باز) ۳۷۳-۵۶. (غمگین شو عزیز دلم) ۳۷۴-۵۷. (می میرم) ۳۷۵-۱۲۴.

تجربه‌های سیاسی-اجتماعی و ادبی اشعار شاعر

شمس لنگرودی، شاعری است که سروده‌های او در مراحل سه‌گانه (شعر روستایی، اجتماعی-سیاسی و سمبولیستی و سوررئالیستی) قابل بررسی است.

از زمانی که نیما با سرودن شعر ترکیب‌بندگونه‌ی «افسانه» ساز خود را کوک کرد شعر مدرن به حرکت خود ادامه داد و در شاخه‌های گوناگون، تمامیت خود را بروز داد. هر کدام از شاعران بنا به علائق و سلاطین و قریحه و نوستالژی‌های دیارگرانه یا عقاید و ایدئولوژی‌های مورد نظر خود، به راه خود ادامه دادند.

شعر اجتماعی-سیاسی ایران از دهه‌ی ۲۰ تا پایان دهه‌ی ۶۰، در دو حوزه قابل بررسی است: یکی بخش رئالیستی و دوم سمبولیستی. نیما در این دو حوزه شعرهای تجربی خود را سرود و اخوان، شاملو، شاهرودی و نصرت رحمانی نیز هر کدام به نحوی با نگاه متفاوت راه او را ادامه دادند.

در این میانه، شعر سهراب سپهری به تقریب در حوزه‌ی سمبولیستی با بن‌مایه‌های عرفانی باقی ماند و از جریانات روزمره‌ی سیاسی-اجتماعی فاصله گرفت.

در کنار شاعران مورد نظر، شعر رمانتیک ایران نیز با سرمدمداری توللی، خاتلری، نادرپور، سایه، مشیری، شفیع کدکنی و حمید مصدق به حرکت خود ادامه می‌داد و حاضر نبود تمامی مانیفست‌های شعر نیمایی را بپذیرد.

شاعرانی که بعد از این مجموعه ظهور کردند مدرنیست‌های رادیکال یا متعارفی بودند که هر کدام ساز خود را می‌زدند.

سال ۱۳۴۱ سال تولد حرکت موج نو در شعر فارسی است که مبدأ آن انتشار کتاب «طرح» از احمد رضا احمدی است که شبه مدرنیسمی برخاسته از شوق

مدرنیسم عجول اجتماعی-اقتصادی ایجاد شده در سال‌های ۳۰ و ۴۰ در ایران بود. این موج، متأثر از جهان پر توهم از سوررئالیسم اروپایی بود که بر اثر ترجمه‌های مغلوط و آشفته از شاعران غربی به وجود آمده بود. بزرگترین دستاورد این موج بهره‌برداری غیرنمادین از اشیاء و کلمات روزمره و کم توجهی به مسایل سیاسی-اجتماعی دوران خود بود.

«دو چیز شعر نو فارسی را به انحراف کشید: یکی موج نو و توابع آن چون شعر حجم و شعر پلاستیک... که در سال‌های چهل همسو با مدرنیسم (یا شبه مدرنیسم) پیدا شد و دیگر شعر چریکی بود که در همین سال‌ها، بر ضد مدرنیسم (یا شبه مدرنیسم) شکل گرفت. اولی ذوق زده و خودباخته در برابر مدرنیسم غرب، به اوهام و هذیانی تلخ گرفتار شد و بخشی از شعر جوان را با خود برد و دومی با ادعای بشارت و پیغمبری، به خطبه‌ی موزون‌نویسی رقت‌باری گرفتار شد و شوق شاعران جوان را به نوجویی سرکوب کرد.»^۱

هوشنگ ایرانی، احمدرضا احمدی و بیژن جلالی از شاعران تأثیرگذار این دوره بودند. که شعرشان ساخت و بافت شعر نیمایی را ندارد و حتی شعر منثورشان با شعرهای سپید شاملو متفاوت است.

شعر جلالی مراقبه و مکاشفه در لحظات و آنات حیات آدمی است که با بار و بارمی عرفانی و فلسفی همراه و همپوش می‌شود. و شعرهای هوشنگ ایرانی و احمدرضا احمدی از جهان رئالیستی و سمبولیستی شعر نیمایی فاصله می‌گیرند و سروده‌های آنان مثل شعر سوررئالیست‌های غربی دستاورد نوعی سیلان و خلیجان ناخودآگاه رها شده است.

اسماعیل نوری علاء در کتاب تئوری شعر از موج نو تا شعر ناب می‌نویسد که: «شاید بتوان چهره‌ی واقعی‌تر شعر سالم دهه شصت را در گرایش محمد مختاری و شمس لنگرودی به سوی نوعی جمع‌بندی تجربی از آزمایش و خطاهای دهه‌های

۱. ص ۱۸۰، بازتاب زندگی ناتمام، شمس لنگرودی به کوشش مزگان معقولی، ج اول ۱۳۸۵، آهنگ دیگر.

جمل و پنجاه به قصد برو نشد از آن‌ها، جست‌وجو کرد. شعر این دو در واقع نوزایی تجربه‌های دوگانه‌ی گذشته در دو ساحت زبان و تصویر است. [آن‌ها] بیشتر منادی سنتی شکیبایانه در مورد مسایلی هستند که اوضاع ایران و تحولات شکست جهان بر آفریش‌شان نقش داشته است.»^۱

در واقع می‌توان گفت که حرکت سنجیده‌تر شاعرانی چون لنگرودی، مجابی، مختاری و سیدعلی صالحی در ایجاد ایجاز، ایماژ و آنات ناب هستی‌شناسانه است که گاهی در شعرهای بلند ظهور و بروز می‌کند.

ظهوراً خط سوم یا موج سوم شعر فارسی راه میانه‌ای، میان دو ساحت زبان و تصویر و شعر چریکی است. یعنی شعر شمس لنگرودی هم دارای موسیقی میانه‌ی وزن سنتی و وزن سپید شاملویی است هم شکل اندام‌واری دارد که سرشار از احساسات عمیق است و انگاره‌های زیستمانی و نزاکت‌های ادبی و کرشمه‌سازی‌های هنری است.

وزن و موسیقی در شعرهای شمس لنگرودی

در بررسی اوزانی که شمس لنگرودی در مجموعه‌ی اشعار خود به کار گرفته است، به چند نوع وزن شعری می‌رسیم:

۱- اوزان عروض سنتی

۲- اوزان نیمایی (یا شعر آزاد) که در وزن عروضی تصرف می‌کند.

۳- آهنگ پرطننه و آهنگ شعر سپید شاملویی که در برگیرنده‌ی آواجناس‌ها و ظنین موسیقایی کلمه و قافیه‌هاست.

۴- اوزانی که برآمده از طبیعت کلام و زبان روزمره است که راه میانبری میان وزن عروضی و شعر سپید شاملویی است.

۱- اوزان عروضی سنتی:

شاعر دو غزل و یک قصیده دارد، که غزل اول را در بحر رمل (فاعلاتن، فعلاتن، فعلاتن فعلن) سروده است:

۱. [همان، ص ۹۸]